

محمد رضا قدوه

اسلام شناسی بزرگ

در رهبری حزب توده ایران

در سال ۵۷، همراه با نامه رهبری حزب و پیشنهاد تشکیل یک جبهه واحد برای هدایت انقلاب ۵۷ راهی "نوفل لوشاتو" و دیدار با آیت الله خمینی شد. او که در آستانه اجتهاد قم را ترک کرده و سپس به گروه ارانی و پس از آن به حزب توده ایران پیوسته بود، با بسیاری از روحانیون هم سن و سال آیت الله خمینی آشنا بود و با آگاهی از خطر ارتجاع مذهبی و هشدار نسبت به نقش آفرینی آن در دوران پس از پیروزی انقلاب راهی دیدار با آیت الله خمینی شده بود.

زنده یاد محمد رضا قدوه، یگانه اسلام شناس حزب توده ایران نبود، اما بی شک برجسته ترین آنها بود. خاموشی ناگهانی او در نخستین سال پیروزی انقلاب و تاسیس جمهوری اسلامی ضربه ای بود غافلگیر کننده برای حزب توده ایران. خاموشی زودرس و ناگهانی، در ۶۹ سالگی او را که از شمار جوانترین اعضای گروه ۵۳ نفر و از قدیمی ترین اعضای رهبری حزب بود، در تاریخ ۵ شنبه ۱۴ تیرماه ۱۳۵۸ در ربود. قدوه عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران بود و همراه با اولین گروه مهاجران سیاسی، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب و برگزاری پلنوم ۱۶ کمیته مرکزی حزب راهی ایران شد. در سال ۵۸ و در سفری که برای شرکت در شورای جهانی صلح کرد بدنبال یک تنگی نفس غافلگیر کننده در بیمارستان بستری شد. بیماری سرطان ریه او را بسرعت فرا گرفته بود و تلاش پزشکان برای نجاتش راه بجائی نبرد و او در همین سفر و در بیمارستان شهر "هاله" که سال ها در دانشگاه آن ادبیات فارسی را تدریس کرده بود خاموش شد. شهری در فاصله لایپزیک- برلین دمکراتیک.

قدوه دوره کامل درس روحانیت را در شهر اراک و سپس حوزه علمیه قم طی کرده بود، اما در آستانه اجتهاد لباس روحانیت را به روحانیون بخشید و اندک زمانی پس از ورود به مبارزات سیاسی، به گروه ۵۳ نفر پیوست. با همین سابقه و آشنائی قدیمی با روحانیت و حتی شخص آیت الله خمینی، زمانی که وی در پاریس مستقر شد و جنبش انقلابی در ایران اوج گرفت، با نامه ای حاوی نظرات رهبری وقت حزب توده ایران پیرامون انقلاب، اوضاع کشور، آینده انقلاب و نظامی که پس از آن می تواند در ایران برپا شود، راهی پاریس و مقر استقرار آیت الله خمینی شد. در نوفل لوشاتوی پاریس، حالا روحانیونی جمع شده و کار بدست بودند که قدوه برخی از آن ها را از حوزه علمیه قم می شناخت. نسلی جلوتر از محمد منتظری، محتشمی پور و...

این نامه که در پایان آن بر ضرورت تشکیل یک اتحادی وسیع برای دفاع از انقلاب طرح شده بود به آیت الله خمینی رسانده شد. قدوه در همین سفر با اطرافیان آن روز آیت الله خمینی نیز دیدار کرد و با شناختی که از روحانیون مرتجع و تارک اندیش داشت، ضرورت فاصله گیری از آنها و کوتاه ساختن دستشان از انقلاب را یادآور شد.

قدوه در یک خانواده روحانی در بخش "کزاز" اراک پا به جهان گذاشت و پس از ترک حوزه علمیه قم در دانشسرای عالی تهران تحصیلات خود را به پایان رساند. در همین سالها اعتصاب بزرگ دانشسرای عالی تهران را رهبری کرد، که نخستین حرکت اعتصابی در محیط نوپنیا دانشگاهی دوران رضا شاه بود. در جریان همین اعتصاب با دکتر تقی ارانی آشنا و همگام شد و در سال ۱۳۱۶ و در جمع ۵۳ نفر زندانی شد. پس از سقوط رژیم رضاخان به همراه دیگر زندانیان سیاسی از زندان آزاد شد و در کسوت دبیر ادبیات، به

استخدام وزارت فرهنگ در آمد. اندک زمانی پس از تاسیس حزب توده ایران به جمع یاران زندانی خود که حزب را بنیان گذاشته بودند پیوست. در سالهای جنبش نفت و دموکراسی خواهی که دکتر مصدق رهبری آن را برعهده داشت، زنده یاد قدوه رهبری جمعیت مبارزه با استعمار و طرفداری از صلح را برعهده گرفت و در روزهای سخت ۲۵ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با همین سمت با دکتر مصدق ارتباط گرفته و خطر کودتا را به وی یادآور شد و خواهان صدور اطلاعیه ای جهت مقاومت با کودتاگران از جانب مصدق شد. خواستی که از سوی هیات رهبری حزب توده ایران نیز یکبار با تلفن و یک بار با مراجعه مستقیم به خانه دکتر مصدق با وی درمیان گذاشته شد اما وی زیر بار نرفت. پیام های رهبری حزب را مریم فیروز و دکتر کیانوری به مصدق رساندند و پیام جمعیت ملی مبارزه با استعمار را قدوه شخصا با مصدق مطرح کرد. به شهادت زنده یاد احسان طبری، او گزارش خود از ملاقات با مصدق را صبح روز ۲۸ مرداد اینگونه به هیات اجرائیه حزب در تهران داد: «محمدرضا قدوه رئیس جمعیت مبارزه با استعمار پس از ملاقات با مصدق برگشت و حاصل آن را به «جلسه مشترك هیأت اجرائیه و کمیته مرکزی گزارش داد. قدوه از مصدق خواسته بود که «قبل از همه، اعلامیه کوتاهی داده شود و مردم به مقابله با کودتا فراخوانده شوند و یکی از واحدهای نظامی مورد اطمینان مقداری اسلحه در اختیار جمعیت بگذارد و اجازه داده شود که آن‌ها مسلحانه علیه کوتاچیان وارد عمل شوند.» مصدق این درخواست را رد کرده بود.»

پس از شکست خیز کودتای ۱۳۲۵ زنده یاد قدوه صریحا از ضرورت اعلام پایان سلطنت و برقرار جمهوری در ایران دفاع کرد و به همین دلیل، پس از کودتای ۲۸ مرداد فرمانداری نظامی تهران تلاش بسیار کرد تا قدوه را دستگیر کند. این دستگیری برای کودتاچی ها ممکن نشد و به همین دلیل قدوه غیابا در دادگاه نظامی کودتا به اعدام محکوم شد. او نه تنها پیش از کودتای ۲۸ مرداد عضو شورای جهانی صلح بود، بلکه در سالهای مهاجرت نیز در همین سمت و مسئولیت جهانی، تا پایان عمر باقی ماند. طبع شعر کلاسیک داشت و قصیده و غزل می گفت. یک سلسله مقالات ارزشمندی با نام های مستعار در نشریه دنیا نوشت. با طنز آشنا بود و به همین دلیل نیز شوخ طبع بود. همه این هنرهای او را ریسمانی از خرافات سنتیزی مذهبی به هم وصل می کرد. پس از درگذشت قدوه قرار بود مجموعه مقالات که در مجله دنیا با نام "ا. گویا" منتشر شده بود، به همراه تحقیقات، اشعار و نوشته های طنزگونه او بصورت کتاب در ایران منتشر شود، اما برای پرهیز از بهانه تراشی حاکمیت و تحریکات روحانیون قشری و مرتجع این کار انجام نشد. روحانیون قم هنوز کینه سال هائی را در دل داشتند که آیت الله برقی به پیشنهاد قدوه و قبول شورای جهانی صلح قرار بود در کنگره جهانی صلح شرکت کند. سفری که زیر فشار همین روحانیون انجام نشد و آیت الله برقی، که از روشنفکرترین روحانیون دوران خود بود زیر فشار روحانیون پرنفوذ قم - از جمله آیت الله بروجردی- به ناچار این شهر را ترک کرد. حضور زنده یاد قدوه با همه تجربه ای که از این رویدادها داشت در جمع رهبری حزب، حضوری بسیار ارزشمند بود و به همین جهت نیز، علیرغم خطراتی که می توانست در صورت غلبه ارتجاع مذهبی بر حاکمیت برای وی بوجود آورد راهی ایران پس از انقلاب شد. او از پلنوم هفتم که در مهاجرت تشکیل شد به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شد و بزودی نیز عضو هیات سیاسی حزب شد و پلنوم ۱۶ نیز این مقام حزبی را برای وی تأیید کرد. بدین ترتیب، قدوه یکی از قدیمی ترین اعضای هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز بود و در سه دوره دبیر اولی دکتر رادمنش، زنده یاد اسکندری و دکتر کیانوری او پیوسته در همین سمت بود. زنده یاد قدوه از جمله مدافعان خط مشی وسیع ترین اتحاد سیاسی در زمان دیکتاتوری شاه بود و دفاع از شعار "جبهه واحد ضد دیکتاتوری" دفاع می کرد.